



## به پیشواز سی و دومین سالگرد تاسیس

### سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما"

پدیده های اجتماعی از آنجائیکه در بستر جهان مادی شکل می گیرند و مطابق با قوانین عینی جامعه رشد نموده و نهایتاً رو به زوال می گذارند، نمی توانند خارج از سیر تکاملی طبیعت و حرکت مارپیچ گذار از مرحله ادنی به مرحله اعلی وجود داشته باشند. تکامل پدیدۀ های اجتماعی دوبر مرحله رازسرمی گذراند: تدریجی و نسبتاً آرام، جهشی و انقلابی. هر جهش مولود پدیده جدیدی است که به نوبت خود مراحل تکاملی خاص خود را طی می نماید.

مطابق این اصل ظهور جنبش روشنفکری در تاریخ تکامل جامعه ما که از نیمه دوم قرن نوزدهم مسیحی (مصادف با امارت شیرعلی خان) آغاز یافته و با آفت و خیزها و چشیدن طعم شکست و پیروزی، در بامدادان قرن بیستم اشعه گرم جنبش مشروطه خواهی را در پهنای سرزمین ما پخش نمود، و همزمان با آن استقلال سیاسی کشور را در میان ملل آزاد جهان به ارمغان آورد. ولی هنوز پیروزی خلق غیور و مبارز ما قوام نیافته بود که ارتجاع سیاه به تحریک استعمار کهن و به همیاری خفاشان خانه زاد (دیره دونی) آن، دستاورد خون هزاران فرزند آزادیخواه این سرزمین را به باد فنا دادند و مرحله دیگری از آفت و تشنیت چون بال شوم کرگس برفضای میهن آبائی ما سایه افکند. این عوامل بیرونی شکست جنبش دموکراتیک طراز کهن به اثر عوامل درونی ("پایۀ ضعیف مادی، تدارک ایدئولوژیک سیاسی ناکافی و ابزار سازمانی نیازمندی، دستگاه دولتی ارتجاعی و گنبدیده، شیفتگی بر نوآوری های روبنایی و ناتوانی در حل تضاد اساسی وزیربنایی جامعه") موثر افتاد.

مطلق گرایان استعمارگر لمیده در کاخ های هند بریتانوی و جواسیس زر خرید آنها در وجود آل یحیی، همراه با متحجر اندیشان کاسبکار دین، با نادیده انگاشتن جنبه مطلق حرکت، گمان میبردند به اینکه آرامش ظاهری در جامعه ما، عاری از تحرک درونی است... و همه چیز و همه کس به نفع استعمار و ارتجاع، منجمد و متحجر شده اند، و سلطه ستم و استثمارگویا جاودانه در سرزمین ما رحل اقامت افکنده است. نتیجتاً آرامش فریبنده دوره فرمانروائی ظاهر شاه آبستن فعل و انفعالاتی بود که مشخصه همان مرحله گذار جنبش از تدریجی به جهشی بوده است.

اینبار آحاد جنبش روشنفکری به مانند قطرات منفصلی که به هم بپیوندند، باریکه هائی را ایجاد می کردند که در مسیر واحد به جریان می افتادند و نوید امواج خروشان و سهمگین انقلاب را در گوش های محرومان و تهیدستان جامعه ما به صدا در می آوردند. در دهه چهل شمسی مطابق دهه شصت میلادی که جامعه ما زیر فشار عوامل مختلف داخلی آبستن تحولات سیاسی - اجتماعی و ازسوی دیگر این دهه مصادف با اوجگیری جنبش های انقلابی در سراسر جهان، در کشور ما نیز گفتگوها و حرکت های نسبتاً منظم از این روند پای به میدان می نهند و از اوجگیری جنبشهای جهانی، اثر برمی دارند. همان طوری که هند بریتانوی گماشتگان خود را در سرزمین ما گسیل داشت، دشمن بیرونی دیگری، اینبار در شمال گویا سوسیالیستی، ولی با سرشت امپریالیستی، تخمه های خبیثه استعمار و استثمار را در حزب نام نهاد "دموکراتیک خلق افغانستان" در بستر مبارزات روشنفکری کاشت.

"سردمداران شوروی که از سالها قبل زمینه نفوذ و کارکرد سیاسی خود را با ایجاد پروژه های اقتصادی - فرهنگی و تدارک قرضه های بزرگ به دولت های وقت مساعد کرده بودند، با یک پلان حساب شده و برنامه تدوین شده از مسکو، حزب دیموکراتیک خلق را بدست بدنامترین و سرسپرده

ترین اجیران خود در افغانستان بنا نهادند و آنرا در عرصه سیاسی مطرح و حتی به پارلمان فرستادند. به هر حال اعلام وجود "حزب دموکراتیک خلق" و راه افتادن سر و صدائی از این کانال به قول بیشتر هبران آنزمان جریان شعله جاوید، یک انگیزه مؤثر گردهم آئی محافلی از روشنفکران مستقل در تقابل با آن و بالاخر ایجاد "سازمان جوانان مترقی" به مثابه بزرگترین گروه چپ گردید. (میزان 1344 شمسی)

در چنین جوی بود که "جریان دموکراتیک نوین" شکل گرفت و جریده ای به نام "شعله جاوید" را در سال 1347 شمسی منتشر ساخت. بر عکس برداشت عامیانه در جامعه ما، "شعله جاوید" به هیچوجه یک حزب نبوده بلکه شماری از محافل انقلابی روشنفکری و افراد ملی - مترقی بودند که به دور اهداف مشترک بیداری انقلابی و مبارزه فعال به ضد نظام حاکم در حد یک جریان جمع شده بودند. از آنجائی که تکامل همواره نسبی است، این تحرک هم نمی توانست به همان گرمجوشی مبارزاتی علنی خلاصه گردد. مؤثرات انقلابی چه در سطح بین المللی و چه هم درخیزش های روشنفکری داخل، جریان دموکراتیک نوین را به طرف پیچیدگی می راند. دیده می شود که جریان شعله از سطح به عمق می رود و از حالت تجربی - احساسی می خواهد وارد مرحله تعقلی شود و آحاد مختلفه آن به جهت تصفیه و انسجام ایدئولوژیک - تشکیلاتی خود در حرکت اند... تضادهای درونی جنبش و فعل و انفعالات ناشی از آن، همراه با تجربه اندوزی - مثبت و منفی - از مبارزه علنی به شکل تظاهرات خیابانی در طول چند سال، جنبش دموکراتیک نوین را علیرغم تجزیه آن به آحادش، به شکل انکار ناپذیری غنا بخشید. عده ای از محافل و شخصیت ها، حرکت وحدت خواهانه با عناصر سالم و کارآ را آغاز کردند و باب نوینی از کار را گشودند که می توان آنرا مرحله تدارک سرتاسری نامید. پروسه تدارک سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) یک برش برجسته کار انقلابی اکثریت محافل منظم جریان دموکراتیک نوین در این مرحله بحساب می آید....

مرحله تدارک "ساما" که از جدی سال 1356 تا سرطان سال 1358 شمسی را دربر گرفت، به بهترین شکلی در کلمات شهید رهبر خلاصه شده می تواند: "ساما در نتیجه تلاش اکثریت منظم جنبش چپ به وجود آمد و تکامل هیچ محفل و یا دستاورد هیچ محفلی به تنهایی نیست". پس با تکیه بر چگونگی تشکل و تحول جنبش دموکراتیک نوین و چگونگی پروسه تشکل "ساما" می توان نتیجه گرفت که "ساما" ماحصل کار و تلاش اکثریت منظم جنبش دموکراتیک نوین است. "سازمان ما، یگانه تشکلی است که با معیارهای اصولی و ترکیب دیالکتیکی آحادش به میان آمده است... که به دست نخبه ترین، پیگیرترین و فعال ترین روشنفکران کشور ما به جلوداری بزرگمرد اسطوره ای مجید شهید، با درس گیری از تجارب گذشته، با اصولی ترین کار وحدت طلبانه طی یک ونیم سال به وجود آمده است... این سازمان که به پاسخ ضرورت عینی جامعه در فوران جنبش خودبخودی خلق و از بطن یک بحران همه جاگیر اعلام وجود نموده، در طوفان جنگ خونین مسلحانه نابرابر، زایش پرآوایش را با چکاچاک شمشیر و غرش مسلسل به گوش دوست و دشمن رسانده است. سازمانی که دوران کودکی اش را بجای رشد موزون در گهواره ای نسبتاً نرم استحکام درونی، در بستر خونبار و آتشزای سنگرها گذرانده و یک دم وارد هیجانی ترین و دشوارترین دوش ها و جهش های اجتماعی شده است... خواهی نخواهی در کنار دستاوردهای عظیم خود، دچار کجی ها، لنگش ها، گاهی در جازدن ها و حتی بی باوری ها نیز شده است. لذا مرحله تثبیت و استحکام آن شامل همه این فراز و فرودها و کارنامه خونین قهرمانانه بیش از دوندل از بهترین فرزندان دلیر در خون تبیده ماست که در گوشه گوشه این سرزمین رستمانه و ایثارگرانه رزمیده اند..."

از آنجائیکه تکامل با جهش و خیزش همراه است، جهش تکاملی سازمانی مانند "ساما" در شرایط خونین یک جنگ نابرابر میان ابر قدرت تا دندان مسلح وقت و ملتی ضعیف ولی مصمم و جانباز، نمی توانست بدون قربانی و قبول ضایعه مقدور گردد. فهرست طویل شهدای "ساما" دال بر آنست که هویت فکری و مبارزاتی این سازمان، انباشتی از تئوری های نیازموده و تفکرات التقاطی، که فقط نام ملی - انقلابی را یدک میکشد، نه، بلکه دفترست حاوی علمی ترین اندیشه های انقلابی دوران سازمان، که "به پاسخ خواست مبرم طبقه کارگر پیریزی شده... و به منظور تمهید

و تثبیت نقش پیش‌آهنگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک" تاریخش با خون پاک دلیرترین و فرهیخته ترین فرزندان این مرز و بوم رقم زده شده است. پس بهای سنگین و پرافتخاری را که سازمان آزادیبخش مردم افغانستان دوشادوش توده ها برای بقاء و تکامل خود و ملت خود پرداخته است، به هیچوجه نمی تواند با تمایلات انحرافی انقیاد طلبانه و انحلال طلبانه و معجون مرکبی از افکار ارتجاعی دمساز شود.

مبارزین جانباز سامانی در جنگ کبیرمیهنی ضد تجاوز شوروی فقط آماج کین استعمار شوروی سوسیال امپریالیستی و نوکران خود فروخته خلقی - پرچمی آن نبوده اند، بلکه ضربات بس سنگین و مهلک از طرف جاده صاف کن های استعمار بالوسيله تنظیم های پشاوروی و ایرانی با سلاح روسی، امریکائی و چینائی و... نیز برپیکر زخمی و خونین "ساما" وارد آمده است؛ که در هر بار ملت ما را از وجود تهمتنان حماسه آفرین شان محروم ساخته اند. با جرأت تمام می توان گفت که هرگاه سازمان آزادیبخش مردم افغانستان از روشنفکران انقلابی و باورمند مرکب نمی بود و از سنگرداغ مقاومت توده ای جانمایه نمی گرفت، به هیچوجه قادر نمی بود که در برابر غول استعمار شرق و زرین قلاده های بومی آن، و ارتجاع هار و حامیان امپریالیست و "آخوندی" آنها، همزمان ایستادگی نموده و با وجود بار بار متقبل شدن ضربات کشنده، باز سر بلند کرده و به احیاء و انسجام خود بپردازد.

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)، بهم اندازی و اختلافات نژادی، قومی، سمتی، زبانی و مذهبی را که از سوی جنگسالاران شرارت پیشه و باداران خارجی رنگا رنگ شان دامن زده شده و میشود، به شدت تقبیح نموده و طی اعلامیه و نوشته هائی با قاطعیت رد کرده است و هم اکنون نیز دامن زدن به این اختلافات را که به منظور افغانی ساختن جنگ و تجزیه سرزمین آبائی ما (افغانستان واحد) صورت میگیرد خیانت ملی میدانند.

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) حتی حضور یک سرباز بیگانه را به نیات سلطه گری در کشور ما تجاوز میدانند، چه رسد به حضور بیش از صد هزار وحشی تا دندان مسلحی که همه روزه خون پاک مردم بیگناه ما را در گوشه گوشه کشور میریزانند. ما آنچنانکه همراه با مردم خود بر ضد تجاوز شوروی به افغانستان، بحق شعار دادیم و به آن عمل کردیم، و طی سی و دو سال حیات سازمانی خود علیه هرگونه تجاوز و مداخلات اجانب مبارزه کردیم، حال نیز برضد تجاوز وحشیانه امریکا و متحدینش فریاد میزنیم که "بریده باد زبانی که در برابر تجاوز امپریالیسم خاموش بماند". این شعار ضمیمه وجدان ماست و لذا ادامه دهندگان سامانی هیچ گونه تجاوزی را از هیچکسی و تحت هرنامی به کشور خود نمیپذیرند و بر ضد آن مبارزه همه جانبه میکنند. راه اندازی لویه جرگه و تدویر کنفرانس دوم بن، جهت توشیح و تسجیل قرارداد خطرناک استراتیژیک با امریکا (که در یک ماده آن حضور دائمی و استقرار پایگاه نظامی امریکا منظور شده است) به مخالفت جدی مردم و موانع از پیش متصور احتمالی مواجه بوده است. جهت زدایی این موانع مانورهای اهریمنانه ای درین اواخر به کار گرفته میشود: شلیک راکت ها از صوب پاکستان به مناطق مسکونی هم سرحد، کشته شدن مبهم و نامعلوم سران بلند پایه دولت پوشالی، اوجگیری اختلافات گروهی دولت و بازتاب آن در پارلمان و... همه و همه تمهیدی است برای تداعی و متبادر ساختن این طرز تلقی (دراذهان مردم) که گویا بدون امضای قرارداد استراتیژیک با امریکا، راه خروج دیگری وجود ندارد! اما مردم ما - باشعور بلند سیاسی خود - از کنه این شعبده بازی های فریبنده، آگاهی دارند، لذا ما ایجاد هرگونه پایگاهی توسط امریکا، ویا هراجنبی دیگر به خاک خود را تجاوز آشکار به حاکمیت ملی کشور دانسته و از مردم آزادیخواه خود میخواهیم که علیه آن اعتراض و مبارزه کنند. طراحان و گردانندگان بومی این پروژه مستعمراتی نیز از نظر ما خائنین ملی هستند که باید به داد گاه مردم محاکمه و به کیفر اعمال شان برسند.

گروه از قبل محکوم به مرگ طالبان - که به نحوی وانگیزه خاصی با قدرت ستمگر مسلط بر دنیا مخالفت میکنند و در برابر ستیز استعماری امپریالیسم قرار دارند، اما خود نماینده یک جهانبینی و برنامه ارتجاعی اند که بازگشت به روابط، رسوم، عقاید و ارزش های سنتی را بر جامعه تحمیل مینمایند - نمیتوانند بدیلی در مقابل اشغال امپریالیسم در یک جنگ آزادیبخش ملی باشند. و بالاخره به مقتضای

سرشت و ماهیت ارتجاعی خود (دیرپازود) به سازش، تسلیم و انقیاد گردن میگذارند... همین اکنون سروصداهای آشتی و مصالحه دولت دست نشانده و بداران شان با طالبان، شاید افواها محض نباشد! "ساما" که فراز و نشیب سی و دوساله مبارزاتی را پشت سر گذاشته است، در شرایط موجود با تضادهای جدید، اعم از عمده و غیر عمده، با قاطعیت و کشیدن مرز درشت و سازش ناپذیر با "کرنش و انقیادطلبی"، و به یمن ثبات یاران صدیق و متعهد به آرمان شهدای سامائی، یکبار دیگر در کنار توده های ستمدیده و حرمان کشیده میهن ایستاده و خط اصولی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان را به عنوان مشی درست و اصیل انقلابی (میراث شهدای سترگ "ساما" و درپیشاپیش آنها شهید مجید و شهید رهبر) احیاء نموده و نام پرافتخار سازمان آزادیبخش مردم افغانستان را با اضافهٔ پسوند **ادامه دهندگان** از دام توطئه دشمنان و شک و تردید تحمیلی بر آن بیرون کشیدند.

پس آنچه ساما (ادامه دهندگان) را از مدعیان کاذب انتساب به "ساما" متمایز می سازد، اعتقاد راسخ به آرمانهای برنامه ای ساما و خصومت و تضاد آشتی ناپذیر با اشغالگران و همدستان بومی رنگا رنگ شان و مبارزه به ضد آنها می باشد.

در شرایط حاضر، سراب "آزادی" و "دموکراسی" امپریالیزم، تشدید فقر ناشی از بیکاری و بی سرنوشتی و تشدید تضادهای ملیتی، نژادی، لسانی، طبقاتی و جنسیتی (مع الوصف شایعه پراگنی دروغین اعاده حقوق زنان و در واقع سلب حقوق زنان و تسجیل مردسالاری) و مهمتر از همه، انکار از تضاد عمیق مردم با اشغال و اشغالگران و انکار هر نوع تبارز مقاومت مردمی، توسط اشغالگران و اداره مستعمراتی کابل، و انتساب آن به طالبان و القاعده، خلق ما را در بند کشیده و آوازشان را در گلو خفه می نماید. پس مبارزه به ضد اشغالگران و ایادی بومی آنها در شرایط حاضر به مراتب دشوارتر و خطرناکتر از بیستر مبارزاتی زمان مقاومت در برابر سوسیال امپریالیزم شوروی و نوکران خود فروخته خلقی - پرچمی آن می باشد. رزمندگانی باورمند، جسور، از خود گذر، با اصول مبارزاتی دقیق، علمی، پیشرو و قاطع، دور از کرنش در برابر دشمنان و دنباله روی از حوادث و دور از لاف و پتاق های قافیه بافانه، با خلوص و انعطاف لازم در برابر متحدین، میتواند برای نجات خلق کار موثری انجام دهد. در یک کلمه در این مبارزه باید از خود گذشت و به خلق اندیشید. فقط با همین روحیه و اراده است که می توان خدمتی به نفع توده های ملیونی انجام داد و میهن را از زیر سم ستوران اشغالگران و همدستان شان وار هانید؛ و مبارزه سترگ ضد استعماری و ضدارتجاعی را، در محدوده شرایط و امکانات واقعی خود، برای رهائی انسان رنج دیده و در بند کشیده میهن ما و نجات بشریت از ظلم و بربریت، به مرحله بالاتر تکامل رساند!

## **مرگ بر امپریالیسم اشغالگر امریکا و متحدینش !**

**با عشق به آزادی**

**با ایمان به انقلاب**

**با اتکا بر توده**

**یا مرگ یا آزادی!**

**سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" (ادامه دهندگان)**

**سرطان 1390 شمسی**